تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۱
صفحات: ۶۷-۵۳

جایگاه شهر قشم در توسعه اقتصاد منطقه‌ای

رحیم سرور[۱]
محمدعلی خلیجی اسکویی[۲*]

چکیده

ایران به واسطه جزایر مهمی همچون کیش و قشم، از موقعیت راهبردی ویژه‌ای در خلیج فارس برخوردار می‌باشد؛ لذا تحلیل نقش و جایگاه اقتصادی و توسعه‌ای این قبیل پهنه‌ها در توسعه منطقه‌ای کشور، مهم به نظر می‌رسد. هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل جایگاه قشم در توسعه منطقه‌ای می‌باشد. تحقیق از نوع کاربردی است و داده‌های مورد نیاز، از نتایج آخرین سرشماری رسمی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۰ گردآوری شده‌اند. روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با استفاده از مدل‌های ضریب مکانی، روش کشش‌پذیری، روش ترسیمی طولی ایزارد، روش ژرژ شابو و تونی‌گارنیه انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که قشم در بخش خدمات، خودکفا می‌باشد و نرخ اشتغال واقعی ۹۱/۸۴ درصد و نقش غالب شهر، بازرگانی است. بر اساس روش ایزارد، قشم در هر سه بخش اقتصادی، بالاتر از سطح منطقه بوده است ولی در سطح ملی، وضعیت پایین‌تری دارد؛ بنابراین حصول به جایگاه برتر در سطح ملی و منطقه‌ای، مستلزم تدوین و اجرای طرح‌های راهبردی و توجه خاص سطح کلان تصمیم‌گیری کشور به ظرفیت‌های نهفته و بی‌نظیر این جزیره می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه منطقه‌ای، فضا، اقتصاد منطقه‌ای، مدل‌های منطقه‌ای، قشم
طبقه‌بندی JEL: C50, N95, R10, R12.

۱- دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری، ری، تهران، ایران
۲*- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران، مسئول مکاتبات: Ma.khaliji@yahoo.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

۱- مقدمه

از جملـه معیارهـای برنامـه‌ریـزی منطقـه‌ای بـرای مشخص کردن نابرابری‌ها، تعیین وضعیت مناطق بر حسـب برخورداری از شاخص‌های توسعه می‌باشد (زیاری، جلالیان، ۱۳۸۷). در مبانی و سیاست توسـعه، عموماً ایـن بـاور رواج دارد که رشد تولید ناخالص ملی و بالا بـودن درآمـد سـرانه، محور اصلی توسـعه اسـت (تقـوایی، عبـداللهی، ۱۳۸۸). در کشورهای در حال توسعه، تمرکز شهری، مشکلاتی همچون توزیع نامتعادل جمعیت، افزایش بیکاری، مهـاجرت و ماننـد آن را بـه دنبـال داشـته اسـت (گلـی، عسـگری، ۱۳۸۵). همچنین به موجب این افزایش‌هـا و عـدم ارتبـاط منطقـی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌هـا، شـاهد بـروز عـدم تعادل و نابرابری‌ها در بین مناطق خواهیم بود (حسـین‌زاده و همکـاران، ۱۳۹۱). معمـولاً پیامـد عـدم تـوازن، ناکـارایی اقتصادی، نابرابری اجتماعی، جریان‌هـای مهـاجرتی قـوی و قطبی می‌باشد. آشکار است که همواره این وضعیت منجر به فشار سیاسی برای از میان بردن شکاف می‌شـود (ضـرابی و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه به عنوان پروژه جهانی و بر اساس استانداردهای بانک جهانی عبارتست از تغییـر سـاختاری از اقتصـاد مبتنـی بـر تولیـد (شـاکری، ۱۳۸۳) و فراینـدی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر که شامل انجـام فعالیـت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان می‌باشد (Riddell, 2004). هـدف اصـلی توسـعه، حـذف نابرابری‌هاست و بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی می‌باشـد (قرخلـو و حبیبـی، ۱۳۸۵). توسـعه بـه مفهوم تداوم رشـد اقتصـادی، رشـد سـریع و ممتـد سـرانه واقعی، همگام با پیشرفت جامعه است (زیـاری و همکـاران، ۱۳۹۱). در اقتصـاد، مفهـوم توسـعه بـه طـور مکـرر مـورد استفاده قرار گرفته است امـا هنـوز از چـارچوب مفهـومی و کمّی دقیقی برخوردار نمی‌باشد؛ در واقع تعریفی کـه توافـق عمومی در مورد آن وجود داشـته باشـد ارائـه نشـده اسـت. معنای توسعه تا دهه ۱۹۶۰ تداوم رشـد اقتصـادی بـود کـه اغلب با رشد تولید ناخالص ملـی (GNP)[1] و درآمـد سـرانه کشور سنجیده می‌شد، لیکن چنـین معنـایی مـورد انتقـاد بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفت. از جمله کسانی کـه بـه نقد این نظریه پرداخت دادلـی سـیرز[2] اسـت. بـه نظـر وی معیار رشد اقتصادی با سنجش رشـد تولیـد ناخـالص ملـی، ناکافی می‌باشد و مؤلفه‌هایی از قبیل درآمد، اشتغال، تفکر و اندیشه را لازمه بررسی دانست. توسعه منطقـه‌ای، اغلـب در برگیرنده دو هدف متضاد رفـاه مـردم و رفـاه مکـان‌هاسـت (زیـاری، ۱۳۸۸). بـرای رسـیدن بـه توسـعه‌ای متعـادل و همه‌جانبه که منجر به بهبود زندگی همه انسان‌ها شود نیـاز به برنامه‌ریزی مناسب و بهینـه در سـطح ملـی و منطقـه‌ای دارد (کارگر، سرور، ۱۳۹۱). پدیده توسـعه‌یـافتگی، یکـی از مهمترین دستاوردهای بشر در قرن حاضر اسـت کـه باعـث تغییرات ساختاری در بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی، سنت‌ها و سایر مشخصات و ویژگی‌های جوامع مختلـف شـده اسـت (عمادزاده و همکاران، ۱۳۸۲). برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به این مفهوم است که چگونه می‌تـوان بـرای ناحیـه‌ای کـه ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه، استان یا ایالت باشد برنامه‌ریزی کرد تا بتوان در سطح ملی و جهـانی به برتـری نسـبی دسـت یافـت و بـه هـدف بالفعـل شـدن پتانسیل‌های آن منطقه نایل شد و از این طریق از توازن در پیشرفت و رشد آن منطقه به صورت همگن بهره‌مند گردید (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۱). توجه به شـهرهای کوچـک و متوسط، در پاسخگویی به نتایج نامطلوب رویکردهای بالا به پایین و اقتصاد کلان بود که به دلیل بی‌توجهی بـه سـطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب فضایی در راه توسعه، شکست خـورده بودند (Owsun, 2008). در دهه‌های اخیر همزمان با ایجـاد گرایش به پایداری و توزیع عادلانـه فعالیـت‌هـای اقتصـادی و شمار جمعیت، توجه به شـهرهای میـانی و کوچـک افـزایش یافته است (Malsoon, 1990). در جهـت مـدیریت شـهری کارآمدتر و مدیریت با ثبات‌تر، ایـن شـهرها بایـد در راسـتای منابع مالی گام بردارند (Bolay, Rabinovich, 2004). با توجه به مطالب گفته شده، لحاظ نمـودن محـدودیت‌هـای موجود در سطح قشـم بـه منظـور موفقیـت سیاسـت‌هـای

1- Gross National Product

2- Dudley Seers

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

تمرکززدایی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای مناسب، یک نیاز اساسی می‌باشد. در این راستا بررسی و شناخت وضعیت مناطق مختلف، جهت ارائه طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، ضروری است (بختیاری، ۱۳۸۱). هدف این مقاله، بررسی سطوح توسعه اقتصاد منطقه‌ای در قشم می‌باشد. به این منظور پس از اشاره کوتاهی به شواهد تجربی پیرامون موضوع، با استفاده از روش‌های تحلیل اقتصادی، به تحلیل و ارزیابی توسعه منطقه‌ای قشم پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه نقش شهرهای متوسط و تأثیر آنها در توسعه منطقه‌ای، مطالعات و تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است: جمال و اشرف، در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه شهرهای میانه‌اندام؛ شیوه‌ای جایگزین برای شهرنشینی»، به این نتیجه رسیده‌اند که سطح و الگوی رشد و توسعه متوازن شهرهای میانی در یک منطقه، تعیین‌کننده سطح توسعه منطقه‌ای می‌باشد. علاوه بر آن، شهرهای میانی به عنوان مراکز خدمات‌رسانی به پس‌کرانه‌های روستایی، مکان‌های مرکزی در نظام سکونت‌گاهی، مراکز فرآوری محصولات کشاورزی، مراکز جذب بخش مهمی از مهاجران روستایی و موتورهای محرک اقتصادی روستایی، عمل می‌کنند (Jamal, Ashraf, 2004). تاکولی[1] در مقاله «نقش شهرهای کوچک و متوسط در توسعه منطقه‌ای و کاهش فقر روستایی» به این نتیجه رسیده است که شهرهای میانی توانسته‌اند در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)[2] به عنوان بازارهای محلی برای تولیدات کشاورزی در پس‌کرانه‌ها و مناطق روستایی عمل کنند و از این طریق، کانون‌های مهمی برای جذب تولیدات مزارع کوچک‌مقیاس باشند (Tacoli, 2004). بلای و رابینویچ[3] در مقاله «نقش توسعه‌ای شهرهای میانی در آمریکای لاتین» به این نتیجه می‌رسد که هنوز هم درک درستی از نقش و جایگاه شهر میانی وجود ندارد و به همین دلیل در آمریکای لاتین، چنین شهرهایی، در راهبردهای توسعه، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. شهرهای میانی در آمریکای لاتین به عنوان ابزار تجاری‌سازی محصولات محلی، عمل کرده و به وارد شدن شهر و حاشیه آن در اقتصاد ملی و حتی بین‌المللی کمک نموده است (Bolay, Rabinovich, 2004). سلیمی‌فر (۱۳۷۶) در مقاله خود، به مطالعه عدم تعادل‌های منطقه‌ای و بررسی روند ناهمگونی‌های استانی در ایران در دو مقطع زمانی ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰ با انتخاب ۲۱ شاخص از بخش‌های مختلف (۷ شاخص صنعتی، ۳ شاخص کشاورزی، ۳ شاخص خدمات و ۸ شاخص امکانات زیربنایی و شهرنشینی) می‌پردازد. او سپس نقش شرایط طبیعی و توزیع فضایی منابع در نابرابری‌ها، با انتخاب شاخص‌های مناسب و محاسبه ضریب پراکندگی مربوطه، تغییرات عدم تعادل‌های منطقه‌ای را در دوره مذکور بررسی می‌کند. ضرابی و موسوی (۱۳۸۸)، در مقاله «تحلیل شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان همدان»، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، به تحلیل شاخص‌های توسعه پرداخته‌اند و در نهایت از ۵۷ متغیر به ۵ عامل اصلی دست یافته‌اند. ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه کلیه شهرستان‌های ایران، وجود عدم تعادل‌های منطقه‌ای را گزارش داده‌اند. نتایج بیشتر این مطالعات، حاکی از برتری استان‌های تهران، اصفهان و ضعف توسعه‌یافتگی در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان جنوبی و ایلام است. لیلیان و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای در ایران» با هدف تعیین توسعه استان‌ها، به ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی و تعیین سطوح تمرکز نماگرها می‌پردازند. عبدالله‌زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۱)، در مقاله «سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران» با استفاده از ۴۱ شاخص که در سه گروه اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی هستند، به

1- Tacoli
2- Organisation for Economic Co-operation and Development
3- Bolay & Rabinovich

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

رتبه‌بندی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که استان تهران، سمنان و اصفهان، از توسعه‌یافته‌ترین استان‌های کشورمان می‌باشند.

۳- مبانی نظری

در دیدگاه تبیین‌کننده فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۲). هرچند توسعه اقتصادی، یک مفهوم کیفی است و به تحول در ظرفیت تولیدی، نهادهای تولید و توزیع، کیفیت محصولات و نیز تنوع آنها برمی‌گردد، برای قضاوت در مورد وضعیت مناطق مختلف از جهت توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی و به منظور مقایسه این مناطق، ناچار به استفاده از شاخص‌هایی برای سنجش سطح (درجه) توسعه‌یافتگی می‌باشیم (سلیمی‌فر، ۱۳۸۲). توسعه ناحیه‌ای، یکی از مباحثی است که در چند دهه اخیر، توجه برنامه‌ریزان، به خصوص برنامه‌ریزان ناحیه‌ای را به خود جلب کرده است (حکمت‌نیا، موسوی، ۱۳۸۵). تا قبل از دهه ۱۹۷۰، نگرش به توسعه منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، بر پایه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و رشد اقتصادی منطقه استوار بود. از جمله این دیدگاه‌ها، مدل‌های رشد هارود[1] (۱۹۴۸)، دومار[2] (۱۹۵۷)، روستو[3] (۱۹۵۶)، رودان روزن اشتاین[4] (۱۹۴۳)، هیرشمن[5] (۱۹۵۸) را می‌توان بر شمرد (براهمن، ۱۳۸۱). مطرح‌ترین این دیدگاه‌ها، تئوری اقتصادی رشد نامتعادلی هیرشمن بود. وی با طرح استراتژی نامتعادل، اولویت دادن و انتخاب بخشی از اقتصاد به عنوان بخش پیشتاز و تمرکز سرمایه در آن را عامل اصلی توسعه منطقه‌ای معرفی کرد (روزبهان، ۱۳۷۶) و (Richardson, 1977). انسان برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود به فضا نیاز دارد؛ از این‌رو باید مکان ویژه‌ای برای آن کارکردها وجود داشته باشد؛ این امر، زمینه شکل‌گیری ساختار فضایی یک منطقه است (Hilhorst, 1971). نظریات توسعه ناحیه‌ای به‌طور عام، پس از جنگ جهانی دوم با عنوان نگرش‌هایی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی توزیع بهینه و کارآمدتر منابع تخصیصی مجدد، منابع رشد متوازن‌تر نواحی و کاهش نابرابری‌ها مطرح بود. از پیشگامان نظریات توسعه ناحیه‌ای، افرادی چون والتر ایزارد[6]، گورنار میردال[7]، فرانسوا پرو[8] و جان فریدمن[9] را می‌توان نام برد (قنبری و همکاران، ۱۳۸۹) و (زبردست، ۱۳۷۸). نظریه راهبرد قطب رشد[10] از جمله دیدگاه‌های دیگری برای توسعه مراکز شهری (Mercado, 2002) و منطقه‌ای بود. این تئوری اشاره‌ای به سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری دارد. فریدمن این دیدگاه را سبب شکل‌گیری انباشتگی‌های شهری[11] و تمرکز منطقه‌ای[12] و پیامدهای آن را در قالب الگوی مرکز پیرامون مطرح می‌نماید و رابطه بین مرکز و پیرامون را رابطه‌ای استعماری می‌داند (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸) که از یک طرف در مرکز، منابع و فعالیت‌های پیش برنده اقتصادی رونق می‌گیرد، در حالی که پیرامون آن، حاشیه‌ای و توسعه نایافته باقی می‌ماند و ظهور خصیصه قطبش شدید ناشی از رشد نامتعادل درون منطقه‌ای پدیدار می‌شود (Erkut & Ozgen, 2003). فریدمن رابطه بین این دو نظام را رابطه‌ای استعماری دانسته که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه‌ای شدن را در پیرامون به دنبال دارد. مرکز، به عنوان محل تمرکز اطلاعات، نوآوری، تخصص و جایگاه مناسبی برای رخداد توسعه است (زیاری و جلالیان، ۱۳۸۷). عدم موفقیت این استراتژی‌ها در ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای موجب شد این دیدگاه‌ها و نگرش‌ها دستخوش دگرگونی گردند؛ به طوری که نگرش سیستمی و یکپارچه به توسعه منطقه‌ای، مورد توجه قرار گیرد (صرافی،

1- Harrod
2- Domar
3- Rostow
4- Rodan Rosenstein
5- Hirshman

6- Walter Izard
7- Gunnar Myrdal
8- Francois Perroux
9- John Friedman
10- Growth Pole Strategy
11- Urban Agglomeration
12- Regional Concentration

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

۱۳۷۹). راندینلی[1] معتقد به پر کردن خلأ سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها از بالا به پایین بوده و بر توزیع راهبردی سرمایه‌گذاری‌ها از طرف دولت، تأکید دارد (ضرابی، ۱۳۷۹). در ایران نگرش به توسعه منطقه‌ای و اقتصادی بر پایه ایجاد قطب‌های رشد و سرمایه‌گذاری‌ها بر روی بخش صنعت، به خصوص بعد از برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم قبل از انقلاب صورت گردید (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸). مقابله با قطب رشد و دوگانگی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای سبب شد تا شهرهای میانی در توسعه ملی به عنوان موضوعی حیاتی مورد توجه قرار گیرند. رشد شتابان شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری، سرعت بیشتری یافته است. شهر قشم به علت جاذبه‌های گردشگری و تاریخی و موقعیت جغرافیایی ارتباطی، جاذب جمعیت بوده و رشد و گسترش یافته است. تمرکز امکانات و خدمات در شهر قشم سبب برهم خوردن تعادل و توازن و گسیختگی پیوند فضایی سکونتگاه‌های زیستی و ساختار فضایی شهرها گردیده است. به همین جهت، توجه به نقش و کارکرد شهرهای کوچک می‌تواند با کاهش عدم تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ و ارائه امکانات و خدمات و جمعیت‌دهی به سکونتگاه‌های روستایی، نقش مؤثری را در این زمینه ایفا نماید. به همین منظور، مقاله حاضر درصدد آن است که با بهره‌گیری از مدل‌های کمّی و آمارهای جمعیتی و اشتغال، نقش و کارکرد شهرهای کوچک را در سازماندهی فضایی و توسعه منطقه‌ای شهر قشم، بررسی و تجزیه و تحلیل نماید و در نهایت، راهبردها و استراتژی‌هایی را جهت رسیدن به توسعه متعادل منطقه‌ای ارائه کند.

۴- روش تحقیق

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و نظری، روش انجام آن توصیفی- تحلیلی، نوع تحلیل، کمّی و محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، شهر قشم در استان هرمزگان می‌باشد. برای دستیابی به هدف مورد نظر، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش اسنادی گردآوری شده‌اند. روش کتابخانه‌ای شامل مرور تحقیقات و مطالعات انجام شده در ارتباط با موضوع و استفاده از آمارها و داده‌های مورد نیاز برای بررسی و تحلیل (جمعیتی و اقتصادی) است. آمارهای مورد استفاده، از مرکز آمار، سازمان راه و شهرسازی استان هرمزگان و شهرداری قشم جمع‌آوری شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل و پردازش داده‌ها از تکنیک‌ها و مدل‌های منطقه‌ای؛ شامل شاخص نخست‌شهری[2]، ضریب کشش‌پذیری[3]، ضریب مکانی (L.Q)[4]، مدل ایزارد[5]، مدل ژرژ شابو[6] و مدل تونی گارنیه[7] استفاده شده است. ابتدا بر اساس مدل‌های نخست‌شهری و ضریب کشش‌پذیری، جایگاه شهر قشم در نظام شهری استان هرمزگان، بررسی و تحلیل شده و سپس با بهره‌گیری از مدل‌های مثلث ژرژ شابو و تونی گارنیه، طولی و عرضی ایزارد و ضریب مکانی، توان اقتصادی شهر قشم در توسعه منطقه‌ای استان، ارزیابی شده است. از مهمترین شاخص‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان به تعداد جمعیت شهرنشین، تعداد و درصد شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی و ضریب اشتغال و بیکاری در قشم اشاره کرد.

محدوده مورد مطالعه

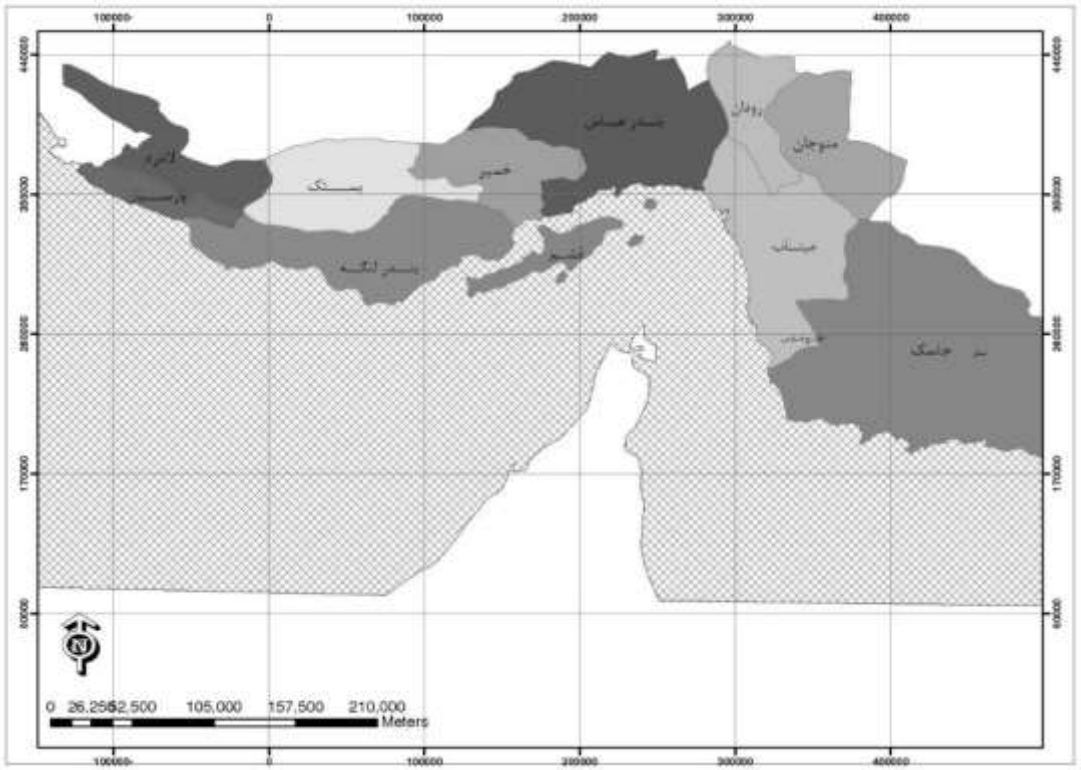
قشم، جزیره‌ای در خلیج فارس و در استان هرمزگان می‌باشد. این جزیره در دوران ساسانیان، ابرکاوان نام داشت. در سال ۱۳۹۰ این شهرستان به سه بخش به نام‌های مرکزی، شهاب و هرمز تقسیم شده است و هشت دهستان دارد. طبق آخرین تقسیمات کشوری، امروزه شهرستان قشم ۶۴ شهر و روستا دارد. عمده فعالیت صورت گرفته در این جزایر، صیادی است. به تازگی طبیعت بکر و ساحل زلال این جزایر، مورد توجه

1- Rondinelli

2- Primate City Index
3- Elasticity Coefficient
4- Location Quotient
5- Izard Model
6- Georges Chabot Model
7- Tony Garnier Model

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

گردشگران قرار گرفته است. از نظر موقعیت جغرافیایی، قشم از شمال به شهر بندرعباس، از مرکز به بخش خمیر و قسمتی از شهرستان بندر لنگه، از شمال‌شرقی به جزیره هرمز، از شرق به جزیره لارک، از جنوب به جزیره هنگام و از جنوب‌غربی به جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی محدود می‌گردد. فاصله جزیره قشم (از بندر قشم) تا بندرعباس ۲۰ کیلومتر، است. مساحت جزیره ۱۴۹۱ کیلومترمربع می‌باشد.



نقشه ۱- موقعیت قشم

منبع: (مطالعات نگارندگان)

۵- یافته‌های تحقیق

ارزیابی عملکردی جمعیت شهر قشم در سطح استان

پیدایش شهرهای پرجمعیت، به شکل‌گیری پدیده نخست‌شهری منجر شده که این امر، عدم تعادل در نظام شهری را موجب گردیده و نوعی سلسله‌مراتب شهری غیرعادی را به وجود آورده است (دراکاکیس، ۱۳۷۷). بر اساس قانون رتبه- اندازه که جایگاه و رده‌بندی تعادلی یا عدم تعادلی استقرار شهرهای استان هرمزگان بررسی می‌شود، اگر شهرهای استان بر اساس جمعیت به ترتیب منظم شوند در آن صورت جمعیت شهر دوم استان باید ½ جمعیت شهر اول و جمعیت شهر سوم ⅓ جمعیت شهر اول و الی آخر باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جمعیت قشم در مقایسه با شهر بندرعباس در سال ۱۳۶۵، ۱۶/۴۹ برابر، در سال ۱۳۷۵، ۵/۷۵ برابر و در سال ۱۳۸۵ نیز این میزان به ۴/۸۹ می‌رسد. چنان‌که ملاحظه می‌شود به‌رغم رشد متعادل جمعیتی، جمعیت شهر بندرعباس در سال‌های ۶۵ تا ۸۵ با گذشت زمان کاهش یافته است و دلیل عمده آن، مهاجرت‌فرستی نسبی شهر بندرعباس بوده است اما طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۹۰ جمعیت ۹/۳۸ برابر بوده که این رقم نشان می‌دهد شهر بندرعباس در سال ۹۰ دارای نخست‌شهری بیشتری می‌باشد و تمرکز شهری بندرعباس نسبت به سال‌های قبل، افزایش یافته است (جدول ۱).

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

جدول ۱- روند تغییرات نخست شهری استان هرمزگان طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

رتبه شهر	جمعیت	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۱	شهر بندرعباس	۲۲۲۵۵۸	۴۱۹۹۳۸	۵۱۵۵۷۷	۴۴۸۸۶۱
۵	شهر قشم	۱۳۴۹۹	۷۲۹۸۱	۱۰۵۳۳۵	۴۷۸۴۸
-	شاخص نخست شهری جفرسون[1]	۱۶/۴۹	۵/۷۵	۴/۸۹	۹/۳۸
-	استان	۱۱۵۱۵۳۵	۱۰۶۲۱۵۵	۱۴۰۳۶۷۴	۷۸۸۴۷۱

منبع: (محاسبات نگارندگان، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان، ۱۳۶۵-۱۳۹۰)

ضریب کشش‌پذیری

با کاربرد این شاخص می‌توان میزان کشش و انعطاف‌پذیری جمعیت کانون‌های شهری را در یک منطقه و همچنین نسبت به کل منطقه، محاسبه و تحلیل کرد. همچنین این شاخص، یکی از مؤلفه‌های قابل سنجش در گرایش‌های موجود فضایی مناطق در سطح کشور و مقایسه آنها با یکدیگر به شمار می‌رود (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعه این مدل در مورد شهرهای شهرستان بندرعباس، نشان از توان جمعیت‌پذیری بسیار پایین دارد؛ به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، شهر بندرعباس ظرفیت جمعیت‌پذیری پایینی را نشان داده و در سال‌های ۱۳۷۵ تا۱۳۹۰، شهر قشم به ترتیب با ۱/۳۲ و ۱/۳۴ درصد، نشان از جمعیت‌پذیری دارد. اما چنان‌که مشاهده می‌شود ضریب کشش‌پذیری قشم نسبت به کل کشور طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ بیشتر از ۱ بوده است اما طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ ضریب کشش‌پذیری قشم نسبت به کل کشور کاهش یافته است (جداول ۲ و ۳). مدل ضریب کشش‌پذیری، از رابطه ۱ قابل محاسبه می‌باشد:

$$E_{(t,t+10)} = \frac{r_u(t,t+10)}{r(t,t+10)} \qquad (1)$$

E: ضریب کشش‌پذیری در فاصله زمانی t+10, t

r_u: نرخ رشد سالانه جمعیت شهری

r: نرخ رشد سالانه کل جمعیت

جدول ۲- ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان هرمزگان و شهر قشم نسبت به استان طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

سال / مکان	نرخ رشد			ضریب کشش‌پذیری		
	۷۵- ۱۳۶۵	۸۵- ۱۳۷۵	۹۰- ۱۳۸۵	۷۵- ۱۳۶۵	۸۵- ۱۳۷۵	۹۰- ۱۳۸۵
بندرعباس	۶/۵۶	۲/۰۷	-۲/۷۳	-۸/۲۰	۰/۷۶	۰/۲۵
قشم	۶/۵۵	۳/۷۴	-۱۴/۶۰	-۸/۱۹	۱/۳۲	۱/۳۴
استان	-۰/۸۰	۲/۸۳	-۱۰/۸۹	-	-	-

منبع: (محاسبات نگارندگان، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان، ۹۰-۱۳۶۵)

جدول ۳- ضریب کشش‌پذیری شهرهای استان هرمزگان و شهر قشم نسبت به کل کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

سال / مکان	نرخ رشد			ضریب کشش‌پذیری		
	۷۵- ۱۳۶۵	۸۵- ۱۳۷۵	۹۰- ۱۳۸۵	۷۵- ۱۳۶۵	۸۵- ۱۳۷۵	۹۰- ۱۳۸۵
شهر بندرعباس	۶/۵۶	۲/۰۷	-۲/۷۳	۲/۰۴	۰/۷۶	-۱/۲۸
شهر قشم	۶/۵۵	۳/۷۴	-۱۴/۶۰	۲/۰۴	۱/۳۶	-۶/۸۲
جمعیت شهری کشور	۳/۲۱	۲/۷۴	۲/۱۴	-	-	-

منبع: (نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان، ۹۰-۱۳۶۵)

1- Jefferson Primate City

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

کارکرد اقتصادی قشم در سطح استان

روش ضریب مکانی، یکی از تکنیک‌های تحلیلی اقتصاد پایه است که در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در روش ضریب مکانی که مشخص‌کننده پایه‌ای یا غیرپایه‌ای بودن فعالیت‌های اقتصادی شهر می‌باشد، عدد بالاتر از یک نشان‌دهنده شرایط پایه‌ای بخش اقتصادی و توان صادراتی شهر در سطح استان است، عدد کمتر از یک نشانگر آن است که شهر در فعالیت اقتصادی دارای شرایط پایه نیست و عدد برابر با یک، نشانگر خودکفایی شهر در فعالیت اقتصادی می‌باشد (افراخته، ۱۳۸۹) (رابطه ۲). ضریب مکانی در بخش کشاورزی در شهر قشم در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۶۲ و ۰/۹۳ بوده است؛ یعنی این شهر در بخش فعالیت کشاورزی، دارای شرایط پایه‌ای نیست. بخش صنعت در سال ۷۵ دارای ضریب مکانی ۰/۷۱ و در سال ۸۵، ۰/۹۱ که این رقم در سال ۱۳۹۰، ۰/۸۰ می‌باشد. در بخش خدمات در سال ۷۵، ۸۵ و ۹۰ به ترتیب ۱/۳۳ و ۱/۱۸ و ۱/۱۱ می‌باشد که پایه‌ای بودن فعالیت خدمات را نشان می‌دهد. علت پایه‌ای بودن خدمات در شهر قشم، افزایش جمعیت شهری در این دو سال می‌باشد (جدول ۴).

$$L.Q = \frac{\frac{TN_i}{TN_a}}{\frac{CN_i}{CN_a}} \qquad (۲)$$

$L.Q$: ضریب مکانی

TN_i: تعداد کل نیروی کار موجود در بخش i در شهر

TN_a: تعداد نیروی کار موجود در شهر

CN_i: تعداد نیروی کار موجود در بخش i در کشور

CN_a: تعداد کل نیروی کار موجود در کشور

جدول ۴- ضریب مکانی در شهر قشم طی سال‌های ۹۰- ۱۳۶۵

مکان	سال / بخش	تعداد شاغلان				ضریب مکانی			
		۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
شهر قشم	کشاورزی	۵۱۳	۵۴۳	۱۷۰۶	۶۴۴۳	۰/۷۶	۰/۵۶	۰/۶۲	۰/۹۳
	صنعت	۴۷۸	۵۸۸	۲۶۹۴	۵۳۵۴	۰/۸۳	۰/۷۱	۰/۹۱	۰/۸۰
	خدمات	۱۵۱۳	۲۸۴۰	۸۹۳۱	۱۸۴۸۶	۱/۲۱	۱/۳۳	۱/۱۸	۱/۱۱
	کل	۲۵۰۴	۳۹۷۱	۱۳۳۳۱	۳۰۲۸۳	-	-	-	-
استان	کشاورزی	۳۶۹۸۸	۳۷۵۹	۷۷۴۱۴	۹۲۲۹۸	-			
	صنعت	۳۲۲۳۹	۳۱۷۷	۸۲۰۹۷	۸۹۳۱۰				
	خدمات	۶۸۵۷۴	۸۰۷۸	۲۰۸۱۷۶	۲۲۰۲۵۱				
	کل	۱۳۷۸۰۱	۱۵۰۱۴	۳۶۷۶۸۷	۴۰۱۸۵۹				

منبع: (محاسبات نگارندگان و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان، ۹۰-۱۳۶۵)

نقش غالب اقتصادی

متخصصان رشته‌های مختلف به ویژه برنامه‌ریزان شهری و جغرافی‌دانان، در ارزیابی نقش شهرها، عمدتاً به نوع اشتغال اشاره می‌کنند؛ به این مفهوم که اگر در یک شهر، در بخشی یا زیربخش‌های اقتصادی، به نسبت معینی اشتغال وجود داشته باشد، نقش شهر نیز در همان زمینه تعریف می‌شود. جغرافی‌دانانی چون ماکس دریو[1]، بوژو گارنیه[2]، ژرژ شابو و چانسی هاریس[3]،

1- Max Dario
2- Beaujeu Garnier
3- Chance Harris

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

طبقه‌بندی متفاوتی را ارائه داده‌اند. اما از میان دانشمندان فوق، طبقه‌بندی صورت گرفته توسط بوژو گارنیه و ژرژ شابو، بیشتر از دیگران با شرایط اقتصادی ایران همخوانی دارد. بوژو گارنیه و ژرژ شابو عملکردهای شهر را در شش دسته طبقه‌بندی کرده‌اند. بر اساس بخش‌های مختلف اقتصادی، نقش شهرها در یکی از این شش طبقه قرار می‌گیرد و بر اساس آن می‌توان نقش شهر را تعیین نمود. طبق مدل تونی گارنیه و ژرژ شابو شهرها می‌توانند حائز شش نقش عملکردی باشند:

۱) شهرهای بازرگانی: شهرهایی که میزان اشتغال آنها در بخش کشاورزی ۲۰-۰ درصد، صنعت ۷۰-۳۰ درصد، خدمات ۱۰۰-۸۰ درصد باشد؛ بنابراین شهرهای بازرگانی به مراکزی اطلاق می‌شود که بتوانند نقش ارشادی و رهبری در فضای ملی و ناحیه‌ای داشته باشند. شهرهای بازرگانی، دربرگیرنده عملکردهای مختلف چندنقشی، خدماتی و صنعتی می‌باشند و اوج شکوفایی شهرهایی با عملکردهای چندنقشی، خدماتی و صنعتی، در نهایت به عملکرد بازرگانی منتهی می‌شود.

۲) شهرهای چندنقشی: شهرهایی که میزان اشتغال آنها در بخش کشاورزی ۵۰-۲۰ درصد، صنعت ۸۰-۲۰ درصد و خدمات ۸۰-۵۰ درصد باشد. شهرها با این نقش می‌توانند گرایش‌های مختلفی داشته باشند که بستگی به توان اقتصادی شهر و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی برای آن شهر دارد که در نهایت، شهر از نظر اقتصادی به تکامل می‌رسد و نقش خود را تغییر می‌دهد.

۳) شهرهای خدماتی: شهرهایی که میزان اشتغال کشاورزی آنها صفر درصد، بخش صنعت ۴۰-۰ درصد، بخش خدمات ۱۰۰-۶۰ درصد می‌باشد. شهرهایی با این ویژگی نیز گرایش‌های زیادی به تغییر نقش دارند و رابطه نقش این شهرها مانند شهرهای نوع اول (بازرگانی) می‌باشد.

۴) شهرهای صنعتی: شهرهایی که میزان اشتغال آنها در بخش کشاورزی ۴۰-۰ درصد، بخش صنعت ۱۰۰-۶۰ درصد، بخش خدمات صفر درصد باشد. چنین شهرهایی نیز گرایش به سمت مرکز (نقش بازرگانی) دارند.

۵) شهرهای صنعتی جدید: شهرهایی که میزان اشتغال آنها در بخش کشاورزی ۲۵-۰ درصد و اشتغال به صنعت ۱۰۰-۷۵ درصد باشد.

۶) شهرهای کشاورزی: شهرهایی که میزان اشتغال آنها در بخش کشاورزی ۱۰۰-۵۰ درصد و میزان اشتغال در بخش خدمات ۵۰-۰ درصد باشد. این شهرها به لحاظ واقع شدن در حاشیه، حالت گریز از مرکز دارند و تغییر نقش چنین شهرهایی نمی‌تواند به شکل سریع صورت گیرد (زرآبادی و خلیجی، ۱۳۹۲).

بر اساس آمار سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بخش‌های سه‌گانه اقتصاد؛ یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (جدول ۵).

جدول ۵- تحولات بخش‌های اقتصادی شهر قشم طی سال‌های ۹۰ و ۸۵-۷۵-۶۵

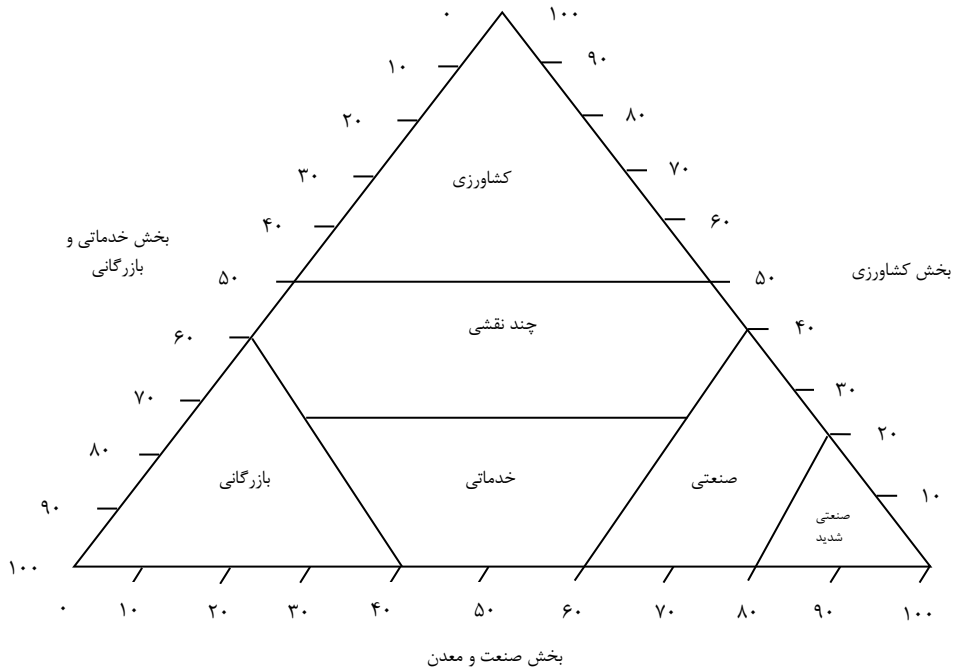
سال	کشاورزی و دامپروری	صنعت و معدن	خدمات و بازرگانی
۱۳۶۵	۲۰/۴۹	۱۹/۰۹	۶۰/۴۲
۱۳۷۵	۱۳/۶۷	۱۴/۸۱	۷۱/۵۲
۱۳۸۵	۱۲/۸۰	۲۰/۲۱	۶۶/۹۹
۱۳۹۰	۲۱/۲۸	۱۷/۶۸	۶۱/۰۴

منبع: (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان، ۱۳۶۵-۱۳۹۰)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

با توجه به جدول بالا و با در نظر گرفتن بخش‌های مختلف اقتصادی شهر قشم طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ چنانچه بخواهیم نقش غالب شهر قشم در وضع موجود را ارزیابی نماییم، به کمک مدل ژرژ شابو و تونی گارنیه می‌توان گفت که شهر قشم طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ دارای نقش بازرگانی بوده و بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که شهر قشم طی سال‌های آینده دارای نقش خدماتی یا چندنقشی خواهد بود (شکل ۱).



شکل ۱- نقش غالب اقتصادی شهر قشم بین سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

منبع: (محاسبات نگارندگان)

مدل ترسیمی طولی - عرضی ایزارد (سهم اقتصادی جزیره در منطقه)

در این روش، آهنگ رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی با توجه به دو دوره سرشماری و بر یک پایه کلی یا ملی محاسبه می‌شود (جدول ۶). به طور کلی، این روش تفاوت رشد در بخش‌های مختلف اقتصادی منطقه را در مقایسه با رشد همان بخش‌ها در سطح ملی مورد بررسی قرار می‌دهد. در نمودار ۱، محور افقی بیانگر درصد تغییرات شاغلان در سطح ملی و محور عمودی، درصد تغییرات شاغلان منطقه یا شهر است (زیاری، ۱۳۸۸) ابتدا از طریق درصد تغییرات کل ملی، منطقه یا شهر به چهار قسمت تقسیم می‌شود که موقعیت هر یک از قسمت‌ها به شرح زیر است: اگر هر یک از بخش‌ها در قسمت I قرار گیرند، آن بخش‌ها در سطح ملی، منطقه یا شهر نسبت به متوسط رشد اقتصادی، وضعیت بهتری را دارا بوده‌اند. اگر هر یک از بخش‌ها در قسمت II قرار گیرند، آن بخش‌ها در سطح ملی پایین‌تر و در سطح منطقه یا شهر فراتر بوده‌اند. اگر هر یک از بخش‌ها در قسمت III قرار گیرند، آن بخش‌ها در سطح ملی و منطقه یا شهر، وضعیت پایین‌تری را دارا بوده‌اند. اگر هر یک از بخش‌ها در قسمت IV قرار گیرند، آن بخش‌ها در سطح ملی، فراتر و در سطح منطقه یا شهر، پایین‌تر از متوسط رشد اقتصادی بوده‌اند (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵).

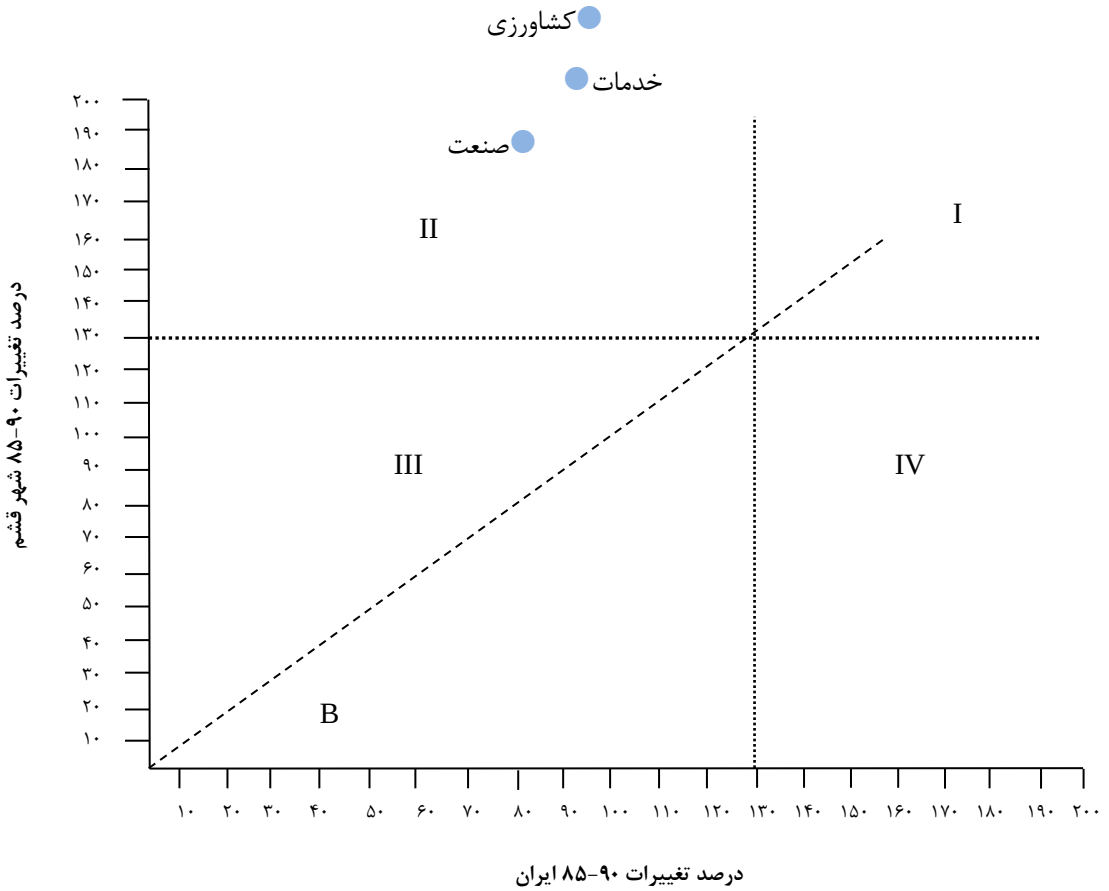
[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

جدول ۶- تغییرات کمّی بخش‌های اقتصادی شهر قشم و کشور بین سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

بخش‌های اقتصادی / سال	شهر قشم			کشور ایران		
	شاغلین ۱۳۸۵	شاغلین ۱۳۹۰	درصد تغییرات ۹۰-۸۵	شاغلین ۱۳۸۵	شاغلین ۱۳۹۰	درصد تغییرات ۹۰-۸۵
کشاورزی	۱۷۰۶	۶۴۴۳	۳۷۷/۶۶	۳۶۸۶۷۴۷	۳۹۰۲۴۰۳	۱۰۵/۸۵
صنعت	۲۶۹۴	۵۳۵۴	۱۹۸/۷۴	۶۴۹۳۳۹۸	۶۰۰۵۷۰۵	۹۲/۴۹
خدمات	۸۹۳۱	۱۸۴۸۶	۲۰۶/۹۹	۱۰۲۹۶۱۹۹	۱۰۶۳۸۷۶۶	۱۰۳/۳۳
جمع	۱۳۳۳۱	۳۰۲۸۳	۲۲۷/۱۶	۲۰۴۷۶۳۴۴	۲۰۵۴۶۸۷۴	۱۰۰/۳۴

منبع: (محاسبات نگارندگان)



نمودار ۱- موقعیت بخش‌های اقتصادی قشم و ایران بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵

منبع: (محاسبات نگارندگان)

نمودار ۱ که بر پایه اطلاعات جدول شماره ۵ ترسیم شده است، نشان می‌دهد که بخش کشاورزی در سطح ملی، پایین‌تر و در سطح شهر، رشدی فراتر از متوسط رشد اقتصادی داشته است؛ به طوری‌که در شهر قشم، بخش کشاورزی حدود ۳۷۷/۶۶ درصد از متوسط رشد اقتصادی شهر فاصله داشته، در حالی‌که در سطح ملی، حدود ۱۰۵/۸۵ درصد فاصله بوده است. بخش صنعت که در قسمت II قرار گرفته، در سطح ملی، پایین‌تر و در سطح شهر، رشدی بالاتر را دارا می‌باشد. در بخش خدمات که در قسمت II قرار گرفته است در سطح ملی، پایین‌تر و در سطح شهر، رشدی بالاتر را دارا می‌باشد. بخش خدمات در شهر قشم، رشدی حدوداً ۲۰ درصد بالاتر از متوسط رشد اقتصادی شهر داشته است. در حالی‌که در سطح ملی حدوداً ۳ درصد از متوسط رشد اقتصادی کشور فراتر بوده است. زاویه B که در حدود ۴۵ درجه می‌باشد، بیانگر آن است که طی سال‌های ۹۰-۸۵ متوسط رشد اقتصادی شهر قشم بیشتر از رشد اقتصادی کشور بوده؛ به‌طوری‌که در این دهه، وضعیت شهر قشم حدوداً ۱۲۷ درصد فراتر از

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

متوسط رشد اقتصادی کشور بوده است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

توسعه و تقویت شهرهای میانی، راهبردی است که با هدف تمرکززدایی، انطباق دارد و در درازمدت، توسعه منطقه‌ای را به ارمغان می‌آورد. بر اساس نتایج حاصل از شاخص جفرسون[1]، میزان جمعیت شهر بندرعباس در سال‌های قبل از ۱۳۸۵ کاهش داشته ولی بعد از سال ۱۳۸۵ و تا ۱۳۹۰ شاخص نخست‌شهری به علت مهاجرت‌پذیری، افزایش داشته است. ضریب کشش‌پذیری، درصد جمعیت شهرنشین را نشان می‌دهد. ضریب کشش‌پذیری در شهر قشم نسبت به استان هرمزگان ۱/۳۴ و نسبت به کشور ۶/۸۲- می‌باشد که این ارقام در سطح استان و ملی، افزایش یا کاهش میزان شهرنشینی را نشان می‌دهند. نتایج حاصل از بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهد که شهر قشم در بخش خدمات در سال ۱۳۹۰ (۱/۱۱) خودکفا است. بر اساس الگوی ضریب مکانی، مزیت نسبی، در بخش خدمات است اما در بخش صنعت، کشاورزی و دامپروری، شهر قشم به طور بالقوه قابلیت بسیار زیادی برای سرمایه‌گذاری دارد؛ به گونه‌ای که با اندکی توجه به این بخش می‌توان در آینده بسیار نزدیک آن را به بخش پایه و صادرکننده، تبدیل ساخت و از فرار سرمایه‌های درون‌منطقه‌ای نیز جلوگیری به عمل آورد و همین موضوع به شکل عاملی در تقویت نقش اقتصادی منطقه عمل نماید. مقایسه عملکرد اقتصادی شهر قشم و کشور نیز نشان می‌دهد که بخش کشاورزی (۳۷۷/۶۶)، خدمات (۱۹۸/۴۴) و صنعت (۲۰۶/۹۹) در سطح شهر بالاتر ولی در سطح ملی پایین‌تر از متوسط رشد اقتصادی بوده است. از دلایل عمده این مسأله، رشد مثبت شاغلان کشاورزی، صنعت و خدمات عمومی با توجه به جذب شاغلان جدید شهری و مهاجرین روستایی بوده است. بر اساس مدل ژرژ شابو و گارنیه، نقش غالب اقتصادی قشم طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ بازرگانی بوده است که طی سال‌های ۶۵ تا ۹۰ در حدود ۶۰ درصد می‌باشد و بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که قشم طی سال‌های آینده دارای نقش خدماتی یا چندنقشی خواهد بود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که شهر قشم توانسته در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه، عملکرد مؤثری داشته باشند؛ لذا براساس نتایج و موقعیت ارتباطی شهر و نیز استقرار خدمات برتر در این شهر نسبت به شهرهای مجاور، پیشنهاد می‌گردد که توسعه و تقویت این شهر، مورد توجه قرار گیرد تا در استان هرمزگان با جذب سرمایه، جمعیت و قبول کارکردهای منطقه‌ای، بتواند به اقتصاد شهری- منطقه‌ای تحرک بخشد و عدم‌تعادل‌ها خصوصاً پدیده تمرکزگرایی و نخست‌شهری را در دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای در استان، کاهش دهد.

جدول ۷- جمع‌بندی یافته‌های مدل‌ها و راهبردهای برآمده از آن

مدل	معیارها	نتیجه نهایی	پیشنهادها (راهبردها)
شاخص نخست شهری جفرسون	میزان جمعیت قشم، بندرعباس و استان هرمزگان طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵	• کاهش رشد جمعیت بندرعباس بین سال‌های ۶۵ تا ۸۵ به علت مهاجرفرستی • افزایش رشد جمعیتی بندرعباس بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ که نشانگر تمرکز شهری است.	• توسعه خدمات بازرگانی و تقویت بنادر پیرامونی • توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و ارتباطی • تقویت عملکرد و نقش منطقه آزاد قشم • توسعه مجموعه بندرعباس- قشم در حد مرکزیت تجاری- صنعتی • توسعه و عمران شهری به منظور تقویت مراکز جمعیتی به موازات پذیرش مهاجران • اعمال تشویق‌های لازم جهت ایجاد و توسعه تجارت
ضریب کشش‌پذیری	درصد جمعیت شهری قشم، بندرعباس، استان هرمزگان و کشور، طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵	بندرعباس: • طی سال‌های ۹۰-۶۵ ظرفیت جمعیت‌پذیری پایینی دارد. قشم: • ضریب کشش‌پذیری قشم نسبت به کشور طی سال‌های ۶۵ تا ۸۵ بیشتر از یک اما در پنج سال بعد این رقم کاهش یافته است.	
ضریب مکانی (L.Q)	تعداد شاغلان بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات)، طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵	• بخش‌های کشاورزی و صنعت در قشم طی سال‌های ۶۵ تا ۹۰ همواره غیرپایه ولی در بخش خدمات طی همین مدت پایه می‌باشد.	
مثلث ژرژ شابو و تونی گارنیه	تعداد شاغلان بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) و کل شاغلان در قشم، طی سال‌های ۶۵ تا ۹۰	• نقش اقتصادی قشم در سال‌های ۶۵ تا ۸۵ همواره بازرگانی بوده اما در سال ۹۰ نقش شهر به سمت چند نقشی شدن حرکت می‌کند.	
مدل ترسیمی ایزارد	تعداد شاغلان بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در سال‌های ۸۵ و ۹۰، در قشم و کشور	• کلیه بخش‌های اقتصادی قشم طی سال‌های ۸۵ و ۹۰ در سطح استان، بالاتر از متوسط رشد اقتصادی ولی در سطح ملی، پایین‌تر از متوسط رشد ملی می‌باشد.	

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

1- Jefferson Index

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

۷- منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ اسکندری ثانی، محمد، (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی شهری منطقه‌ای در ایران. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۸(۱۷)، ۷-۲۸.

افراخته، حسن، (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های تحقیق در برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. تهران: انتشارات پرهام نقش.

اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ پور جابری، مرتضی محمد، (۱۳۹۲). ارزیابی عملکردی شهرهای میانی در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه‌ای، نمونه موردی: شهر فسا- استان فارس. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۳(۹)، ۴۳-۵۲.

بختیاری، صادق، (۱۳۸۱). تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۶(۲۲)، ۱۵۷-۱۸۶.

براهمن، جان، (۱۳۸۱). *توسعه مردم‌گرا*. مترجمان: عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مرتضی توکلی، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

پریزادی، طاهر؛ اسدی، صالح؛ مولائی قلیچی، محمد و شیخی، حجت، (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل قابلیت‌های مزایای نسبی توسعه منطقه‌ای در بنادر شمال ایران با استفاده از تلفیق تکنیک‌های TOPSIS و ELECTRE. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۲(۶)، ۱۵-۲۹.

تقوایی، مسعود؛ عبداللهی، علی‌اصغر، (۱۳۸۸). طبقه‌بندی و تحلیل خوشه‌ای جایگاه توسعه و میزان محرومیت کشورهای اسلامی با استفاده از شاخص توسعه انسانی HDI و تکنیک GIS. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲(۲۴)، ۷۵-۸۵.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ پور حسین، حمید؛ محمدپور، صابر و منوچهری میاندوآب، ایوب، (۱۳۹۰). تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند. *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۳(۷۸)، ۲۳-۴۴.

حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف، (۱۳۸۵). *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*. یزد: انتشارات علم نوین.

حسین‌زاده دلیر، کریم؛ اکبرپور سراسکانرود، محمد و حسینی، محمدحسین، (۱۳۹۱). مدیریت شهری در شهرهای ایران. *فصلنامه فضای جغرافیایی*، ۱۲(۳۷)، ۱۵۹-۱۸۱.

دراکاکیس، اسمیت، (۱۳۷۷). *شهر جهان سومی*. ترجمه فیروز جمالی، تهران: نشر توسعه.

روزبهان، محمود، (۱۳۷۶). *مبانی توسعه اقتصادی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات تابان.

زبردست، اسفندیار، (۱۳۷۸). توسعه صنعتی مناطق و عوامل مؤثر در مکانیابی فعالیت‌های بزرگ صنعتی. *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۶(۴ و ۵)، ۴۴-۵۴.

زرآبادی، زهرا سادات (سعیده)؛ خلیجی اسکویی، محمدعلی، (۱۳۹۲). بررسی نقش و کارکردهای شهرهای میانی در توسعه اقتصاد منطقه‌ای (مطالعه موردی شهرستان بوکان)، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.

زیاری، کرامت‌الله و اسحاق جلالیان، (۱۳۸۷). مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۷۵-۱۳۵۵. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۶(۱۱)، ۷۷-۹۶.

زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۹۰). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۸۸). *مکتب‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زیاری، کرامت‌الله؛ محمدی، اکبر و عطار، خلیل، (۱۳۹۱). بررسی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور و رابطه آن با نرخ شهرنشینی. *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، ۱(۳)، ۱-۱۶.

سرور، رحیم؛ رشیدی، اصغر و حصاری، ابراهیم، (۱۳۹۱). سنجش میزان توسعه‌یافتگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شهرهای استان آذربایجان‌شرقی. *فصلنامه جغرافیا*، ۱۰(۳۵)، ۵۷-۸۲.

سلیمی‌فر، مصطفی، (۱۳۷۶). ناهمگونی‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران. *ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، (۱۲۲-۱۲۱)، ۱۷۲- ۱۸۱.

سلیمی‌فر، مصطفی، (۱۳۸۲). *اقتصاد توسعه (موضوعات منتخب)*. مشهد: انتشارات موحد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

شاکری، عباس، (۱۳۸۳). جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی کشور. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲ (۴۸)، ۱۰۵-۱۵۶.

صرافی، مظفر، (۱۳۷۹). *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

ضرابی، اصغر، (۱۳۷۹). آینده شهرها برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری. مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، دانشگاه تبریز.

ضرابی، اصغر؛ مولوی، ابراهیم، (۱۳۸۸). تحلیل شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان همدان. *آمایش محیط*، ۲ (۵)، ۵۱-۶۵.

ضرابی اصغر؛ موسوی، میرنجف، (۱۳۸۸). بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان یزد). مجله *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۰ (۲)، ۱-۱۸.

ضرابی، اصغر؛ وارثی، حمیدرضا و علی‌زاده، جابر، (۱۳۹۱). کاربرد تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی در ارزش‌گذاری و تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه (مطالعه موردی: استان اردبیل). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۲ (۲۵)، ۹۷-۱۲۵.

عبدالله‌زاده، غلامحسین؛ شریف‌زاده، ابوالقاسم، (۱۳۹۱). سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱۳)، ۴۱-۶۲.

عمادزاده، مصطفی؛ دلالی اصفهانی، رحیم و صابر، داریوش، (۱۳۸۲). رتبه‌بندی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر شاخص‌های صنعتی. مجله *دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، ۱۵ (۲)، ۱۳۳-۱۴۲.

قرخلو، مهدی؛ حبیبی، کیومرث، (۱۳۸۵). تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی. *تحقیقات جغرافیایی*، ۲۱ (۸۱)، ۵۹-۸۳.

قنبری، یوسف؛ برقی، حمید و حجاریان، احمد، (۱۳۸۹). سنجش توزیع فضایی مؤلفه‌های صنعتی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر برخورداری از سطح توسعه. *مجله برنامه‌ریزی فضایی*، ۱ (۱)، ۱۷-۳۶.

کارگر، بهمن؛ سرور، رحیم، (۱۳۹۱). *شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

کلانتری، خلیل، (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)*. تهران: انتشارات خوشبین.

گلی، علی؛ عسگری، علی، (۱۳۸۵). کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر نمونه موردی استان تهران. *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ۱۰ (۲)، ۱۳۹-۱۵۹.

لیلیان، رضا؛ رخشانی نسب، حمیدرضا و رمضان‌زاده، رقیه، (۱۳۹۰). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای در ایران. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۳ (۶)، ۹۵-۱۱۲.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰). اطلاعات اقتصادی استان هرمزگان. قابل دسترس در سایت http://salnamehtotal.sci.org.ir

مرکز آمار ایران، (۱۳۶۵-۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان هرمزگان. قابل دسترس در سایت http://amar.sci.org.ir.

Bolay, J.C., Rabinovich, A., (2004). Intermediate cities in Latin America risk and Opportunities of coherent urban development. *Cities*, *21*(5), 407-421.

Erkut, G., Ozgen, C., (2003). The economic and spatial peripherally of border regions in South Eastern Europe. The 43rd European Congress of the Regional Science Association, p. 23- 35.

Hilhorst, J. G. M., (1971). Regional Planning: A System Approach. Rotterdam University, Press.

Jamal, Z., Ashraf, M., (2004). Development of intermediate-size towns: An alternative form of urbanization. *Quarterly Sicence Vision*, *9*(1-2), 1-8.

MalSoon, M., (1990). Growth of small and intermediate cities in Korea 1975- 1980. *Korea Jurnal of Population and Development*, *19*(1), 47-70.

Mercado, R. G., (2002). *Regional development in the Philippines: A review of experience, state of the art and agenda for research and action*, The Research Information Staff, Philippine Institute for Development Studies,(http://ideas.repec.org/p/phd/dpaper/dp_2002-03.html).

Owusn, G., (2008). The role of small towns in regional development and poverty

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]

reduction in Ghana. *International Journal of Urban and Regional Research, 32*(2),453-472.

Richardson, H.W., (1977). *City size and national spatial strategies in developing countries*. World Bank staff working paper, no. 252, Washington D.C.

Riddell, R., (2004). *Sustainable Urban Planning Tipping the Balance*. Blackwell publishing.

Tacoli, C., (2004). *The role of small and intermediate urban centers and market towns and the value of regional approaches to rural poverty reduction policy*. Prepared for the OECD DAC POVNET, Agriculture and Pro-Poor Growth task Team, Helsinki Workshop, 17-18 June.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.2.5.5.2]